جلال متینی

تحفة‌الغرائب

منسوب به‌محمّدبن ایّوب الحاسب طبری[1]

از آثارِ ناشناختهٔ قرن پنجم هجری

درفهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران که‌بکوشش استادِ محترم‌آقای محمدتقی دانش‌پژوه بچاپ‌رسیده، دورسالهٔ خطی به‌نامِ

۱ـ ابوجعفر محمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری ازعلمای نامدار ایران درقرن پنجم هجری است. درباب عصر زندگی وتالیفات وی مطالعاتی درچهل‌سال اخیر صورت‌گرفته‌است وباآنکه برخی او را در شمارِ عالمان قرن چهارم هجری می‌دانستند ، تحقیقاتی که اخیراً دربارهٔ او بعمل آمده‌است نشان‌می‌دهد وی «معاصر الب‌ارسلان وملکشاه سلجوقی بوده ولااقل در ربع قرن از ٤٦١ تا بعداز ٤٨٥ (سال درگذشت ملکشاه) فعالیت علمی داشته، وحتی آقای لازار معتقداست که زیج مفردرا درفاصلهٔ میان ٤٧٩ تا ٥٠٢ تالیف کرده‌است». ازاین مرد تاکنون نُه‌کتاب ورساله به‌نامهای: مفتاح‌المعاملات، کتاب‌العمل والالقاب ، شش فصل در اسطرلاب ، شمارنامه، زیج مفرد، رسالهٔ استخراج درشناختن عمر وبقای‌آن، المونس فی‌نزهة اهل‌المجلس رسالهٔ قواعدی چند درمعرفت هرحرکت وقوسی ودایره‌ای وخطی ونقطه‌ای که منجمی درآن اعمال‌کند، رساله‌درمقدمات اختیارات درسیارات سبعه شناخته و معرفی شده‌است . برای تفصیل بیشتر خوانندهٔ محترم را به‌مقدمهٔ ممتّع دوست دانشمندم‌آقای دکتر محمدِ امین ریاحی برکتاب مفتاح‌المعاملات که به‌تصحیح ایشان ازطرف بنیاد فرهنگ ایران بچاپ رسیده ←

تحفة‌الغرائب معرفی‌شده‌است که هررساله مشتمل بر ۲۷ باب‌است و نامِ مؤلف‌آنها معلوم‌نیست[۲]. نگارندهٔ این‌سطور تنها با نام این‌کتاب – آن هم از طریقِ همین فهرست – آشنایی داشت ، تا اینکه در تابستان گذشته که بمنظورِ مطالعهٔ نسخه‌های خطیِ فارسی مضبوط درکتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی به‌برخی ازجمهوری‌های این‌کشور مسافرت‌کرد، درضمن بازدید ازنسخه‌های خطی انستیتوی شرق‌شناسی تاشکند ، ازبکستان ، به مجموعه‌ای نفیس بشمارهٔ ۲۲۱۳ درکتابخانهٔ این انستیتو برخورد . برطبقِ فهرستی که درابتدای این‌مجموعه افزوده شده ۳۲ رساله و کتاب‌وقصیده و... در متن وحاشیهٔ آن نوشته‌شده‌است. در صفحات 77 b تا 81 a همین مجموعه، رساله‌ای‌است با این‌عنوان «کتابِ منتخبات تحفة‌الغرائب ازِ جمع‌کردهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب» .

→

است رهنمون می‌شوم. اطلاعاتی که دربارهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری مذکورافتاد ازمقدمهٔ محققانهٔ ایشان برکتاب مفتاح‌المعاملات نقل شده‌است .

۲– فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، مجلد ۸، نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵۴/۲ ؛ مجلد ۹ ، نسخهٔ شمارهٔ ۲۱۶۰/۴ .

کتابهای دیگری نیز به‌نام تحفة‌الغرائب موجوداست که باکتاب موردبحث در این‌مقاله ارتباطی ندارد . ازآن‌جمله‌است «تحفة‌الغرائب (اقلیم اول)،جزء دوم» درمجموعه‌ای بشمارهٔ ۲۲۳۸/۲ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ایران (رك. دفتر پنجم نسخه‌های خطی، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۸۹) و نیز کتابهای دیگر بدین‌نام و با متمم‌هایی متفاوت نظیر «تحفة‌الغرائب فی‌عجائب‌المخلوقات» که‌در الذریعة،الجزءالثالث، ص٤٥٦ تا ٤٦٢ بآنها اشاره گردیده‌است . ازدوست فاضلم آقای احمد گلچین‌معانی سپاسگزارم که‌این‌اطلاعات‌را دراختیار بنده قراردادند . آقای احمد منزوی ، تحفة‌الغرائب محفوظ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی بشمارهٔ ۲۲۳۸ را که تقسیم‌بندیِ فصول و ابوابش براساس «اقلیم» و «جزء» است ، و با تحفة‌الغرائب بیست‌وهفت‌بابی مورد بحث تطبیق نمی‌تواندکرد، در «فهرست نسخه‌های خطی فارسی»، جلد یکم، ص٤٦٣ درزمرهٔ نسخه‌های تحفة‌الغرائب موضوع این‌مقاله معرفی کرده‌اند.

در فهرست نسخه‌های خطی انستیتوی شرق‌شناسی تاشکند تاریخِ کتابتِ این رساله سال ۷۴۵ هـ. و تاریخِ کتابتِ بقیهٔ رسالاتِ این مجموعه بین سالهای ۷۴۵ تا ۷۹۱ ذکر شده‌است. ولی چون تاریخ ۷۴۵ را در پایان‌کتاب منتخبات تحفة‌الغرائب نیافتم، این‌مطلب‌را با آقای آرون بایف دانشمندِ محترم عضواین‌انستیتو که‌نگهداری‌ِ بخشی ازنسخه‌های‌خطی نیز باایشان‌بود، درمیان‌گذاشتم. ایشان پس‌از مراجعه به‌دست‌نویسِ فهرستِ نسخه‌های خطی به‌بنده جواب دادند که متصدی‌ِ این‌کار نیز نخست در یادداشتهای خود نوشته‌است مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۱۳ تاریخ کتابت ندارد، ولی بعد هم‌او سال ۷۴۵ را بعنوان تاریخ کتابتِ این‌مجموعه بر یادداشتِ قبلی‌ِ خود افزوده است و چنین می‌نماید که تهیه‌کنندهٔ فهرست، این تاریخ‌را درپایانِ یکی از رسالاتِ مجموعه دیده‌است. قرارشد ایشان نظرِ تهیه‌کنندهٔ فهرست را - که در آن هنگام از تعطیلاتِ تابستانی استفاده می‌کردند - دراین‌باب برایم بنویسند.

وجودِ صفحاتی چند از یکی‌دیگر از آثارِ محمدبن ایوب الحاسب، دانشمندِ بنامِ قرن پنجمِ هجری که‌تاکنون‌ازوی نُه‌کتاب ورساله درریاضی ونجوم درفهرست کتابخانه‌های عمومی وخصوصی‌ِ جهان معرفی گردیده، وفقط برخی ازآنها بچاپ رسیده‌است، نویسندهٔ این‌سطوررا برآن‌داشت که «کتابِ منتخبات تحفة‌الغرائب» را در تاشکند بدقت بخواند. و چون در طرزنگارشِ این‌کتاب نشانه‌هایی از زبان فارسی‌ِ قدیم را یافت، درصدد برآمد که میکروفیلمی ازاین‌صفحات فراهم کند. ولی بقراری که به‌بنده گفته‌شد بخشِ تهیهٔ‌میکروفیلم در مردادماه تعطیل بود وبدین‌جهت تهیهٔ‌آن میسرنگردید. بعلاوه چون کاغذِ این نسخه بسیار نازك و شکننده بود، متصدیانِ محترمِ کتابخانه، بحق، دربابِ حفظ ونگهداری‌ِ آن احتیاط بسیار می‌کردند. بناچار ازرئیس محترمِ انستیتو، سرکارخانم عظیم‌جان‌اوا

خواهش کردم اجازه دهند از همین صفحات درکمال دقت، خود استنساخ کنم، خوشبختانه این تقاضا پذیرفته آمد - اینجا فرصتِ مناسبی است برای عرض تشکر از ایشان و همه کسانی که در کتابخانه‌های جمهوریهای مختلفِ اتحاد جماهیر شوروی جهت مطالعاتِ بنده تسهیلاتِ لازم فراهم ساختند.

چنانکه مذکورشد نسخهٔ کتاب تحفةالغرائب کاملاً سالم نیست . و بخصوص حاشیهٔ صفحاتِ آن بیشتر آسیب دیده‌است. بهمین جهت قرائتِ این کتاب که همه درحاشیهٔ صفحات نوشته‌شده‌است وقسمتهای محوشده و لایقرء در آن کم‌نیست بسادگی میسر نمی‌شد . مع‌هذا با دقت نسخه را استنساخ کردم و قسمتهای محوشده‌را با چندنقطه مشخص ساختم .

آغاز و انجامِ نسخهٔ تاشکند بدین‌قراراست :

آغاز : «کتابِ منتخباتِ تحفةالغرائب از جمع کردهٔ محمدبن ایوب الحاسب، چون سر بمغناطیس بمالد آهن‌را بخویشتن بکشد و چون بسرکه بشویند اصلاح (ظ.بصلاح) بازآید وچون زیت اندرومالد آهن‌را ازخویشتن در... کند بمقدار کشیدن وچون... یا بسرکه بشویند بصلاح بازآید...»

انجام : «نسخهٔ مرکب بگیرد مازو سبزناسفته سه‌درم و...کند و بیست درم آب در... کند ونیك بجوشاند وآنکه بپالاید و... صمغ عربی خالص در میانِ این‌آب... کند و دومثقال زاج‌سبز نیکو بساید... هشت‌درم آب بگدازد وبپالاید ودر... مازو کند ودیگر... لایذ... خواهد قدری نمك طبرزد و نبات باره... کند که نیکوتر بود والله والحمد لله رب‌العالمین.»

پس‌ازمراجعت‌به‌ایران نخست درصددبرآمدم نسخه‌های‌خطیِ تحفة‌الغرائب را درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران مطالعه‌کنم. آقای ایرج‌افشار استاد دانشکدهٔ ادبیات‌وعلوم‌انسانی ورئیس کتابخانهٔ‌مرکزی‌دانشگاه‌تهران، و آقای محمدتقی دانش‌پژوه استاد دانشکدهٔ ادبیات وعلوم‌انسانی دانشگاه

تهران ، که همواره یار ومددکار همهٔ علاقه‌مندان به‌کتابند ، مرا نیز یاری کردند و بدین طـریق از نسخه‌های خطی تحفة‌الغرائب کتابخـانهٔ مرکزی دانشگاه تهران عکس گرفتم. سپس به‌مقابلهٔ دونسخهٔ تحفة‌الغرائب مضبوط در تهران بانسخهٔ منتخبات تحفة‌الغرائب تاشکند پرداختـم . نتیجهٔ این مقابله بر بنده روشن‌ساخت که کتاب منتخبات تحفة‌الغرائب از جمع‌کردهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب با نسخه‌های دوگانهٔ «تحفة‌الغرائب» تهران که نام مؤلفش نامعیّن‌است ارتباط نزدیك دارد . درمقابلهٔ این سه‌نسخه باعبارات بسیاری مواجه شدم که تقریباً درآنها اختلافی بچشم نمی‌خورد .

بعلاوه روشن‌گردید کـه دو نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ظاهراً متن کامل تحفة‌الغرائب‌است. چون این‌موضوع‌را بااستادعلامه جناب آقای مجتبی مینوی، که همواره از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند می‌گردم ، درمیان‌نهادم، ایشان مرا به‌نسخهٔ دیگری‌ازکتاب تحفة‌الغرائب که‌درکتابخانهٔ شرقی موزهٔ بریتانیاست، رهنمون‌شدند. خوشبختانه میکروفیلم این‌نسخه نیز قبلاً بتوسط خود ایشان برای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهـران تهیه شده‌بود. میکروفیلم وعکس این‌نسخه را هم درکتابخـانهٔ مرکزی دانشگاه تهران یافتم وعکسی ازآن نیز بدست آوردم.

بدین‌ترتیب اکنون ازکتاب تحفة‌الغرائب و منتخبات‌آن چهارنسخه دراختیار این‌بنده‌است بدین‌شرح :

۱- منتخبات‌تحفة‌الغرائب ازجمع‌کردهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب مکتوب بسال ۷٤٥ هجری، مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۱۳ کتابخانهٔ انستیتو شرق‌شناسی تاشکند، درحاشیهٔ صفحات b ۷۷ تـا a ۸۱ .

۲- تحفة‌الغرائب احتمالاً مکتوب در قرن هفتـم یا هشتم هجری ، مجموعهٔ شمارهٔ ۱۳٥٤ کتابخانهٔ‌مرکزی دانشگاه تهران، ازصفحهٔ b ۲۷ تا b ٥۸، بی ذکر نام مؤلف وکاتب .

۳- تحفة‌الغرائب مکتوب درسالهای ۸۱۳ و ۸۱٤ هجری ، مجموعهٔ شمارهٔ Add. 27,261 کتابخانـهٔ موزهٔ بریتانیا، درحاشیهٔ صفحات b ۳۰۲ تا a ۳۳۲. بی‌ذکر نام مؤلف . این‌مجموعه برای جلال‌الدین اسکندربن عمر شیخ، نوهٔ امیرتیمور، کتابت‌شده‌است .

٤- تحفة‌الغرائب احتمالاً مکتوب درقرن نهم هجری، مجموعهٔ‌شمارهٔ ۲۱٦۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، از صفحهٔ b ٦۷ تا b ۹٦ ، بی‌ذکر نام مؤلف وکاتب .

بعقیدهٔ بنده با تصـریحی که در نسخهٔ تحفة الغرائب تاشکند به‌نام مؤلف آن « محمدبن ایوب الحاسب » شـده‌است ، دلیلی وجود ندارد که در انتساب نسخهٔ منتخبات به‌محمـدبن ایوب حاسب طبری[3] تردیـد روا داریم. گرچه موضوع «تحفة‌الغرائب» باآثار دیگر این‌دانشمند که درریاضی و نجوم‌است بی‌ارتباط می‌نمایـد . ضمناً اسلوب نگارش منتخباب تحفـة الغرائب و متن کامل تحفة‌الغرائب نیز مؤید این امراست کـه کتاب مورد بحث در ردیف آثار کهن زبان فارسی‌است. بعلاوه درنسخهٔ موزهٔ بریتانیا یك‌قرینه نیز برطبری بودن مؤلف کتاب وجوددارد که بنظر بنده بسیـار قابل‌توجه‌است، وآن عبارتی‌است که درفصل بیست‌وچهارم (در پیداکردن عجـائب‌البر) بدین‌شرح آمده‌است :

«دیگر بطبرستان وگیلان چوبی‌هست که بزبان طبری ممرز[4] خوانند

۳- نام این‌دانشمند در آثار دیگرش بصورتهای زیرین نوشته شده‌است: ابوجعفر محمد ابن ایوب الحاسب‌الطبری، محمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری، محمدبن ایوب‌الطبری ، شمس‌الدین محمدبن ایوب مازندرانی. رك. مقدمهٔ «مفتاح‌المعاملات» صفحهٔ شش .

٤- این‌کلمه در واژه‌نامهٔ طبری تصحیح استاد محترم آقای دکتر صادق کیا، با املای «ممرض» (بفتح‌اول‌و سکون ثـانی‌وکسرثالث) ضبط شده‌است. آقای‌دکترکیا خود افزوده‌اند این‌کلمه اکنون بصورت «میمرز» mimraz و «ممرز» memraz بکارمی‌رود. ص۱۹٦ ؛ درکتاب

←

یا چوب روشنایی. چون‌خشك‌شود درشب ِتاریك چون‌چراغ همی‌فروزد.»

اگر مؤلف‌کتاب، خود طبری نبود، امکان‌داشت که‌نام ِچوبی‌را به‌زبان طبری درکتاب ِخود ذکرکند؟ البته تصدیق می‌فرمایید ذکر ِنام ِ چیزی به زبان طبری دراین‌کتاب قابل‌قیاس یا ذکرنام ِداروها و امثال‌آن به‌زبانهای یونانی وعربی دراین‌نوع کتابها نیست .

موضوع دیگر آنست که عبارات ِمشترکی در منتخبات ِ مورد بحث و سه‌نسخهٔ تحفة‌الغرائب نیز وجود دارد که نشان می‌دهد منتخبات تحفة الغرائب ازجمع‌کردهٔ‌محمدبن ایوب‌الحاسب مضبوط درتاشکند بانسخه‌های تحفة‌الغرائب کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران و موزهٔ بریتانیا، انگلستان از یك‌اصل‌است . ازآن‌جمله‌است عبارات ِزیرین که ازمنتخبات تحفة‌الغرائب تاشکند و نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران انتخاب گردیده‌است :

منتخبات تحفة الغرائب :

«اگر بوره درجایی‌کند وپس سرکه درو [ر]یزند دروقت بجوش آید بی‌آتش . چون نیلوفر بسایه خشك کنند و آنگه... نهند آتش اورا نسوزد . هـر... طلق و خطمی‌وگل‌سرخ هرسه بر... خویشتن اندايد آتش اورا زیان نکند . چون‌مصروع زمرد باخویشتن... سوددارد.»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ تهران :

«اگر بوره‌را درجایی ریزند وپس سرکه درووریزند دروقت بجوش‌آید

→

درختان و درختچه‌های ایران، تألیف آقای دکتر حبیب‌الله ثابتی‌این‌کلمه بـا ضبط « ممرز » mamraz آمده‌است.مؤلف‌کتاب ضمن‌برشمردن‌نامهای محلی‌این‌درخت درنواحی‌مختلف جنوب دریای خزر، استعمال کلمهٔ «ممرز» را خاص مازندران دانسته‌اند . صفحات ٦٩ و ۷۰ .

بی‌آتش . چون نیلوفر بسایه اندر خشك‌کنند وآنکه برآتش نهند آتش آنرا نسوزاند. دیگر هرکه طلق با خطمی وگل‌سرخ برخویشتن اندايد آتش برو کارنکند ونسوزاند . دیگر چون مصروع زمرد با خویشتن دارد سود دارد خاصه کسی‌را که خون‌ریز(؟)شود بهتر ونیکوتر بود.»

منتخبات :

«اگر موی سگ سیاه برمصروع آویزد صرع‌را بنشاند.»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ :

«اگر موی سگ سیاه بر بازوی‌مصروع آویزند صرع ازوی بازدارد.»

منتخبات :

«چون قطران شافه‌کنند وبخود برگیرند کدودانه وکرمها که درشکم بود ، بمیرد.»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ :

«چون قطرانرا شیافه کنند و بردارند کدودانه‌را و کرمهایی که در شکم بود بکشد.»

منتخبات :

«چون کرپاسه زنده‌را دررگویی سیاه بندند وبرشتهٔ سیاه از کسی درآویزند که اورا تب پیوسته بود یعنی... تب ازوبارد (ظ.بازدارد).»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ :

«چون کرپاسهٔ زنده دررگو بندند سیاه و برشتهٔ سیاه ازکسی درآویزند که تب پیوسته‌گیرد یعنی هرروز آن‌تب ازو بازدارد.»

با مطالعهٔ شواهدی که‌نقل‌شد این حقیقت روشن می‌گردد که مؤلفِ هرسه نسخهٔ تحفة‌الغرائب همان محمدبن ایوب‌الحاسب مؤلفِ منتخباتِ تحفة‌الغرائب‌است .

با توجه به‌مطالبی که مذکور افتاد اینك یکی دیگر از رسالات منثورِ زبان فارسی متعلق به‌قرن‌پنجم هجری که تألیف یکی ازدانشمندانِ بزرگِ ایران - محمدبن‌ایوب حاسب‌طبری - است برای‌نخستین‌بار به‌علاقه‌مندانِ آثارِ کهنِ زبان‌فارسی و اهل ادب معرفی می‌شود. کتابی که تا بحال از آن اطلاعی کامل نداشته‌ایم و در فهرستها نیز به‌نام مؤلفِ آن اشاره‌ای‌نگردیده بوده‌است و بدین‌جهت تاریخِ تألیف‌آن نیز تاکنون‌مبهم بوده‌است. بعلاوه تاآنجا که بنده بیاددارد درزمرهٔ آثارِ محمدبن ایوب حاسب طبری نیز نامی ازاین‌کتاب برده نشده بوده‌است.

* * *

اکنون پس از ذکرِ این‌مقدمه باختصار به‌معرفیِ این‌کتاب می‌پردازد:

کتاب با مقدمهٔ کوتاهی که در هرسه نسخهٔ تحفةالغرائب با جزئی اختلاف آمده‌است آغاز می‌شود:

«حمد و سپاس پادشاهی‌را که عجایب صنعِ او بسیار، و غرایبِ خلقِ او بی‌شمارست. ذرات موجودات و انواع مخلوقات را او آفریدگار و نمایندهٔ صنع خود درسیار وطیار، ودرود وصلواتِ بررسولِ مختار محمد وآله‌الأبرار.

اما بعد بدان‌که این کتاب فراهم آورده‌است از سخنانِ حکما و فیلسوفان وسیاحانِ جهان‌گرد و روندگان در بیان تحف[و]غرایب ولطف و عجایب و عِلمهای غریب و خواص عجیب که دهاة و زیرکان دیده‌اند و دانسته و آزموده و آنچه که [از] نقل بدیشان رسیده‌است ذکر کرده وبه‌تحفةالغرائب موسوم گردانیده مشتمل بر بیست‌وهفت باب.»

سپس نامِ ابوابِ کتاب آمده‌است. در تعدادِ ابواب و نیز عنوان‌ابواب اختلافاتی در نسخه‌های سه‌گانه بچشم می‌خورد. در نسخهٔ موزهٔ بریتانیا، درفهرست‌کتاب - پس‌از مقدمه - نام ۲۸ باب ذکر شده‌است ولی در دو

نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهـران در فهرست کتاب فقط به۲۷ باب اشاره گردیده‌است. نکتهٔ گفتنی آنست که‌درمتن تحفة‌الغرائب موزهٔ‌بریتانیا باب‌آخر، باب بیست‌وهفتم‌است ـ نه بابِ بیست‌وهشتم ـ که عنوانش «در شناختنِ طلسماتِ چابك و لطیف»است ـ و با عنوانِ باب بیست‌وهفتم در فهرست همین‌نسخه«دراصولِ شناختنِ طلسمهای‌چابك ولطیف» یکی‌است. بدین‌جهت باآنکه ریو درفهرست نسخه‌های خطی فـارسی موزهٔ بریتانیا ، تحفة‌الغرائب را در ۲۸باب معرفی کرده‌است باید آنرا نیز مانند دونسخهٔ دیگرِ تهران دارای ۲۷ باب بدانیم، این اشتباه درفهرست ابواب اول تانهم نسخهٔ موزهٔ بریتانیا روی‌داده‌است. بعلاوه این‌موضوع نیز درخورِ یادآوری است که عنوانِ چندباب از ابوابِ نخستین درنسخهٔ شمارهٔ۱۳۵٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران بامتنِ آن ابواب تطبیق نمی‌کند، یعنی مطالب مندرج در این‌بابها با عنوانِ آنها مطابقت ندارد .

اینست فهرست ابوابِ کتابِ تحفة‌الغرائب بر اساس نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران :

« باب اول: در آفرینشِ حیوانات مختلف .

باب دوم: در خواص چیزهای مختلف.

باب سیوم: در خواص چیزها که ازشکاها خیزد .

باب چهارم: درخاصیتِ آن‌چیزها که از بویها خیزد .

باب پنجم: درخاصیتِ چیزها که از مزیدن خیزد .

باب ششم: در برآمیختنِ مدادها و نبشته‌های ظریف نمودن .

باب هفتم: در پاك‌کردنِ رنگها وآلایشها ازجامه‌ها وفرشها .

باب هشتم: درخاصیتِ آن‌چیزها که از دیدار خیزد .

باب نهم: در حیلتهاکردن که دزد بشناسند وبگیرند .

باب دهم: درنمودنِ بازیها ونیرنگهای لطیف وچابك .

باب یازدهم: در حیله‌های گرفتنِ جانورانِ بری و بحری .

باب دوازدهم: در شناختنِ حیله‌ها که‌مردمانِ پری‌دارا بکارآید .

باب سیزدهم: در سنگهاشکستن و رسنهاگسستن وآهن دریدن .

باب چهاردهم: در افروختنِ آتشهای لطیف و آنچه تعلق بدو دارد .

باب پانزدهم: در جستنِ فوایدِ شرابهاخوردن و می‌زدگی‌ها .

باب شانزدهم: در جستنِ آسایش از خمار ومی‌زدگی‌ها .

باب هفدهم: در دوستیها نمودن و مهر دردل‌افکندن .

باب هژدهم: در کارهای مباشرت وجستنِ قوتها .

باب نوزدهم: در دانستنِ دوشیزه وحامله وچارهٔ‌آن .

باب بیستم: درشناختنِ عجایبها وبازیهای‌چابك در مجلس‌ها .

باب بیست‌ویکم: درشناختنِ عجایبهای دنیا .

باب بیست‌ودوم: در پیداکردنِ عجایب‌البحر .

باب بیست‌وسیوم: در پیداکردنِ عجایبِ نهر .

باب بیست‌وچهارم: در پیداکردنِ عجایب‌البّر .

باب بیست‌وپنجم: در پیداکردنِ عجایب‌الجبل .

باب بیست‌وششم: در پیداکردنِ عجایب‌البلد .

باب بیست‌وهفتم: در اصولِ شناختنِ طلسمهای چابك ولطیف. »

درنسخهٔ تاشکند مقدمه وفهرست ابواب مذکور نیست، ومطالب‌نیز بی‌توجه به‌تقسیم‌بندی اصل‌کتاب وذکرعنوان یا شمارهٔ باب درپیِ هم نوشته شده‌است .

موضوع دیگر آنست که از سه‌نسخهٔ تحفة‌الغرائب ، فقط نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه‌تهران ازنظر احتوای‌مقدمه وفهرست وبیست‌وهفت‌باب کامل‌است .زیرا درنسخهٔ موزهٔ بریتانیا درحدودِ دو

ثلث آخر باب پنجم وتمام بابهای ششم، هفتم ، هشتم و نهم و در حدود نیمی ازباب دهم، ودرنسخهٔ شمارهٔ ۲۱٦۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نیز ازاوایل باب‌سوم تا حدود نیمهٔ‌اول باب‌بیست‌ویکم ساقط‌است که‌به‌این افتادگی‌ها درفهرستهای مربوط اشاره‌ای نگردیده‌است .

مطلب دیگری که دربارهٔ این سه‌نسخه بایدگفت آنست که در مقدمهٔ کتاب وفهرست ابواب وبابهای اول و دوم این‌سه‌نسخهٔ‌خطی تقریباً اختلافی مهم بچشم نمی‌خورد. فقط گاهی یکی‌دوعبارت مستقل ، یك نسخه نسبت به‌نسخه‌های‌دیگر اضافه‌یاکم‌دارد. ولی‌درابواب آخر کتاب دراین سه‌نسخه اختلافات بیشتری مشهوداست . در نسخهٔ موزهٔ بریتانیا و نسخهٔ شمارهٔ ۲۱٦۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران مطالب‌بسیاری نسبت‌به‌نسخهٔ‌شمارهٔ ۱۳٥٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران موجوداست. بطوری‌که اگر قرارباشد ابواب آخر نسخه‌هارا ملاك مقایسه قراردهیم، می‌توان‌گفت نسخهٔ شمارهٔ ۱۳٥٤ دراین‌قسمت‌ها ، برگزیده‌مانندی‌است از ابواب نسخه‌های موزهٔ بریتانیا ونسخهٔ شمارهٔ ۲۱٦۰ . بعلاوه متن دونسخهٔ خطی کتابخانهٔ‌مرکزی دانشگاه تهران نیز کاملاً بایکدیگر تطبیق نمی‌کند زیرا عباراتی درهریك از این‌دو می‌توان‌یافت که در دیگری نیست .

موضوع دیگر آنست که در منتخبات تحفة‌الغرائب تاشکند مطالبی هست که در هیچیك از سه‌نسخهٔ تحفة‌الغرائب ازآنها اثری دیده‌نشد . ازآن جمله‌است نسخهٔ داروهای ترکیبی - در چندمورد به‌زبان عربی‌است- که در پایان نسخهٔ منتخبات‌آمده‌است، ونیزعباراتی که‌ذیلاً به‌برخی از آنها اشاره‌می‌شود :

«چون سر بمغناطیس بمالد آهن‌را بخویشتن بکشد وچون بسرکه بشویند باصلاح (ظ.بصلاح) بازآید. وچون زیت‌اندرومالد آهن‌راازخویشتن

در... کند بمقدار کشیدن و چون... یا بسرکه بشویند بصلاح بازآید. سنگی دیگر هست که‌اورا سنگ‌الجره(؟) خوانند فراز سیم دارند، سیم را بخویشتن کشد. سنگی دیگر هست... را... خوانند چون مردم اورا باخویشتن دارند خوابش(؟)نگردد البته. سنگی‌دیگر هست که‌آنرا حجرالذهب خوانند چون فرازدارند زر بخویشتن کشد. سنگی دیگر هست که اورا حجرالشعر خوانند فراز موی‌دارند موی بردارد...»

«جمست که باخویشتن دارد ازچشم بد ایمن باشد. وگر جمست در طاسی افگنند ودرآن طاس می‌خورند مستی نکند...»

«اگر گوگردرا زیر درخت ترنج دودکنند [تر]نج جمله بریزد وبیفتد.»

بدین جهت می‌توان‌گفت شاید ازکتاب تحفة‌الغرائب یا تحـریرهای مختلفی موجود بوده‌است که‌هریك از سه‌نسخهٔ خطی مذکوردرفوق ازروی یکی ازآنها نگاشته‌آمده‌است، ویا آنکه تحفة‌الغرائب تحریر واحدی داشته است، اما هریك ازکاتبان قسمتهایی ازآنرا بسایقهٔخود انتخاب واستنساخ کرده‌اند وفقط درنسخهٔتاشکند به«منتخبات» بودن‌آن اشاره‌ای رفته‌است.

* * *

معرفی «تحفة‌الغرائب» بی‌اشاره به‌اسلوب نگارش ونیز اختصاصات زبان‌آن ناقص‌می‌نماید، وبدین‌جهت به‌برخی ازآنهادر کمـال اختصار ذیلاً اشاره‌می‌کند:

۱- کهنگی عبارات:

«دیگر اگر مداد برجامهٔ دبیران افتد وخواهند که پاك کنند، سرکه ترش ببایدگرفت و اشنان درست بدو اندر بجوشانیدن، و جامهٔ آلوده بدو اندرزدن و بیفشاردن وآنگه بآب صابون بشستن.» (از باب۸).

«دیگر اگر خواهند که روغن چراغ از جامه پاك‌کنند و پاره کنجارهٔ

کتان‌را بآب‌گرم تر بایدکردن و برجامه اندودن و ساعتی ایستادن پس بآب گرم وصابون بشستن.» (ازباب ۸).

«دیگر اندرکوههای عراق چاهی‌است سخت دور و ژرف فروکننده چنانکه کس پایان آن چاه نه‌بیند. و چون رود زن بسر آن چاه رَوَد، رُود زدن گیرد، ازآن چاه آوازهای سرود برآمدن‌گیرد.»(ازباب ۲۵)

۲- استعمال وجه مصدری :

«دیگر چون تذروان بیک‌بار بانگ بردارند، آن‌بود که زلزله خواهد آمدن بعدازبانگ.» (ازباب ۳).

«دیگر الماس هم ازجمله سنگهاست. عقاب اورا بردارد و در آشیانهٔ خود نهد تا هرجانوری که آنرا بیند گردِ آشیانهٔ او نیاردآوردن (ظ.آمدن) وعقاب ایمن‌باشد ازبهر بچگان.» (ازباب ٤)

۳- مفعول بواسطه (متمّم) با دوحرفِ اضافه :

«دیگر به‌رودِ نیل اندر جایگاهی‌است که‌هرسال یك‌روز جمله‌ماهیانِ آن‌رود بدان‌جایگاه گردآیند.»(ازباب ۲۳)

٤- استعمال کلماتی نظیر «پاك»، «نیکو»، «سخت» برای قید کیفیّت :

«آن‌سنگ برخویشتن بندد. آن‌سنگ آن‌آب **پاك** بخویشتن کشد. چون خواهند که‌آن‌سنگ‌را بیازمایند که نیك‌کارگرست یا نه، باید که... » (از باب۲).

«البته که‌آن **سخت** زبان‌دارد.» (ازباب ۱۸)

۵- جمع بستنِ جمعهای مکسر عربی :

«درشناختنِ **عجایبها** وبازیهای چابك درمجلس‌ها.» (ازفهرست)

«از هرشش‌نوع آنچه یافته هم و تجربت‌کرده در **کتبهای** حکمای ماتقدم ومتأخر جمله یافته...» (از باب اول)

۶- بکاربردنِ «می» پیش از فعل امر :

«وهر کس را پیش می‌خوان و آن آرد که دارد در آن سر که بفرمای ریختن تا...» (ازباب ۹)

۷- استعمال یاء مصدری بعداز کلمات عربی :

«و درآن‌معنی کتابهای مفرد ساخته‌اند لیکن بناچار از بهر جامعی این کتاب، نوعی چند یادکنم.» (ازباب ۲۷)

۸- استعمالِ «همی» بجای «می» :

«وهرکه آن‌سنگ برگیرد ودرخانه نهد، موشان همه فراز آن‌سنگ گردآیند ومردم همی‌گیرند و می‌کُشند و ایشان از آنجا دور بشوند و همی‌باشند و...» (ازباب ۲٤)

۹- استعمال باء تأکید پیش‌از «می» :

«اگر خواهند که چنان نمایند که آهن بمی‌شکنیم و نعل بمی‌دریم باید که ماح هندی بگدازند وبآب گرم برآهن اندایند...» (ازباب ۱۳)

۱۰- بکاربردنِ فعلهای پیشوندار :

اندردمیدن، اندرریختن، بازافگندن، بازایستادن، برآمدن (دندان-)، برآمیختن، برآوردن، برافروختن، بربستن، برداشتن، برکشیدن، برنگاشتن، درآویختن، درافتادن، درمالیدن ، فرودآمدن ، فرودآوردن ، فرورفتن ، فروریختن ، فروشدن ، فروهشتن .

۱۱- برخی ازلغاتِ کهنه وقابل‌ملاحظه :

مزیدن، آلایش ، پری‌دار ، می‌زدگی ، پرستنده (= خادم) ، زندگی ، پایندگی ، بالندگی ، پرورش ، رونده ، پرنده ، خسنده ، زایندگان ، خایه‌کنندگان ، برخیزندگان ، باهول ، شکم‌راندن ، شب‌یار (= شب‌پره . این کلمه

درفرهنگها با زا،بصورتِ شب‌یازه ضبط‌شده‌است)،گیاه‌خوار، دانه‌خوار، گوشت‌خوار،گمیزکردن،رگو، فرازآمدن، شب‌کوری،سپرز،پلیدی (=چرك)، میرانیدن، شاهسپرم، دوشیزه (دختر -) ،سُرو ، باشگونه ، دده، ددگان، خشب، سنب، تب چهارم، ریزانیدن،، خاییدن، زورکردن، نیروکردن، پلیته، آب‌پشت، بوی‌افزارها، نیم‌برشته ، رودگانی ، باربرداشتن ، آرزوکردن ، اشترمرغ، خایه، خایه‌کردن، خایه‌نهادن، پول (= پُل) ، کپی ، شکارگر ، سنجیدنی، پیمودنی، سختن، ریگ مثانه، پالودن، تبش، چربش، شایستن ، ژاله، تگرگ،شکنجه، نیم‌روز ، سرشتن ، گواردن .

موضوعی که درپایانِ این‌مقاله باید بعرض برساند، آنست که نثرِ تحفةالغرائب از نظرِ اسلـوبِ نگارش کامـلا یکنواخت نیست و برخی از نشانه‌های نثرهای متاخرتر نیز درآن مشهوداست مانند استعمالِ برخی ازکلماتِ عربی ویاجمع‌های‌عربی. ازآن‌جمله‌است مقدمهٔ‌کتاب که‌درصفحات قبل نقل‌گردید. ونیز ازهمین‌نوع‌است استعمالِ کلماتی نظیر: نفع و ضر ، اشجار ، معادن، خواص،عجائب، غرائب، راغب، ریاحین، مفعوله، فاعل ، ساکن، متحرك، غربا، اصحابِ طلسمات .

دیگر استعمالِ حرفِ اضافهٔ «در» دربسیاری ازموارد، گرچه بارها صورت «اندر» نیز درهمین‌کتاب بکاررفته‌است .

به‌این مطالب استعمالِ کلماتِ مترادف را باید افزود مانـنـد: نبات و اشجار، پرستنده و خادم، دروقت و درزمان ، مطیع و فرمانبردار ، مشفق ومهربان، کارزار وجنگ ، بانگ وافغان .

چون نسخه‌های‌موجودِ تحفةالغرائب همه‌ازقرن هفتم هجری ببعد کتابت‌شده‌است ونسخهٔ کهنه‌تری ازآن دردست نـداریم ، معلـوم نیست اختصاصات آخیر- که به‌بعضی ازآنها اشاره‌شد - تا چه‌حد در متنِ اصلی کتاب بوده‌است وتا چه‌اندازه معلولِ دخالتِ کاتبان‌است .

کتابِ موردبحث علاوه برآنکه ازنظرِ زبان فارسی و مطالعهٔ دستور زبان ولغات کهنهٔ‌آن قابل‌ملاحظه‌است ازجهت تاریخ‌علم ، برخی از عقایدِ خرافیِ مردمِ روزگاران قدیم و اطلاعاتی دربارهٔ بازیها، سرگرمی‌های‌معمول درآن‌عصر وامثال‌آن درخورِ عنایت و توجه‌است. نویسندهٔ‌این‌سطور کتابِ تحفة‌الغرائب را بر اساسِ نسخه‌های موجود تصحیح کرده و برای چاپ آماده نموده‌است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی